

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نثر به جهان بارفین عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بپیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

بنا بر این جای هیچگونه تعجیبی نیست که کومه له بر بستر تخلیات و ارزیابی‌های نادرست خود از کردستان در روستاهای حتی بدون کارگر کشاورزی و درغیا بپرولتاریای سراسر ایران، در گوشه‌ای از کردستان "حزب کمونیست" تاسیس می‌کند.

سؤال: بنظر می‌رسد گفته‌های جریانات شرکت‌کننده در "کمیسیون تحقیق" با قطعنا مه‌صا دره‌ا زجانب "کمیسیون تحقیق" خود اتحادیه میهنی کاملا درتنا قضاست، آیا تلاش اتحادیه میهنی کردستان برای وارونه‌جلوه‌دادن حقایق بمنظور خاصی انجام گرفته‌است؟

جواب: یک سلسله اعمال خلاف شئون انقلابی پس از حمله به "صدای فدایی" از جانب اتحادیه میهنی کردستان عراق صورت گرفت که معلوم شد تنها این جریان بی طرف نیست بلکه خوددستی در آتش‌افروزی و ضدیت با سازمان دارد. سؤال: مورد مشخصی هست که به آن استناد شود؟

جواب: بله، در تاریخ ۹ بهمن ماه، اتحادیه میهنی کردستان عراق تصمیم گرفت با ندجنا یتکا رمدنی - شیبانی راکه روز ۴ بهمن ماه، خود با حمله مسلحانه موفق نشده بودند به مقر دیورا هیا بند در پوشش پیشمرگان مسلح خود مجدداً به مقر دیوبند وارد. بهمین منظور ابتدا مرکز مخابراتی سازمان را به تصرف خود درآوردند، پس از آن تصمیم گرفتند ارتباط رفقای سازمان را که تا آن هنگام با خارج از کشور برقرار بود قطع نمایند، تا خیرا عمل ضد مکر تیک و دخالت‌های آنها در امور داخلی سازمان به خارج از کردستان انعکاس نیابد. آنها تلاش کردند به رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خارج از کشور اینطور وانمود سازند که اتفاق تازه‌ای نیافتاده است و در ادامه همین تلاشها فردخا شنسی بنام "مهدی" را از با ندمدنی - شیبانی انتخاب کردند و از وی خواستند که خود را رفیق "د" معرفی نماید. لازم به تذکر است که رفیق "د" نام مستعار یکی از رفقای سازمان در مرکز ارتباطات کردستان می‌باشد. آنها در مقابل این سؤال رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خارج از کشور که چرا رفقای مسئول برای صحبت نمی‌آیند؟! علامدا شتند، همگی رفقای مسئول برای مذاکره نزد آقای طالبانی رفته‌اند و هیچکس اینجا نیست!! هنگامیکه دیگر رفقای مستقر در مقر را خواستیم، جواب دادند آنها نیز با رفقا رفته‌اند نزد آقای طالبانی، حتی پزشک مقر هم با آنها رفته!! و هیچکس جز من - "د" (یعنی مهدی) ننمانده است. وی تا کیددا شت که نتیجسه مذاکرات که هم‌اکنون در دفتر سیاسی اتحادیه میهنی بین رفقای ما و اتحادیه میهنی جریان دارد هر چه باشد، از این

پس توسط "من" (مهدی) به شما ابلاغ می‌شود. وی همچنین اعلام داشت پیامی که مربوط به اتحادیه میهنی است و یا هر پیام دیگری که از جانب او داده می‌شود تصمیم رفقای سازمان است و نه اتحادیه میهنی و می‌گفت: "من فقط نقش رابط را دارم؟! در حالیکه از جانب رفقای مسئول ارتباطات خارج از کشور به آنها اعتماد نشده بود رفقا بنا بر وی خود را از اینگونه تصمیم‌گیری اعلام نمودند، با اینهمه آنها از رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خواستند تا نماینده اتحادیه میهنی در خارج از کشور را به مرکز ارتباطات بیاوریم که ارتباطات خود را برقرار سازند؟! به آنها جواب داده شد در صورتیکه رفقای مسئول ما برای تماس نیایند هیچگونه ارتباطی با شما برقرار نمی‌شود و این ارتباط نیز بهیچ عنوان ادامه نخواهد یافت. ما وی اصرار داشت که "رفقای اتحادیه میهنی خودشان اینجا حضور دارند ما مستانظم (و می‌خواهند حتماً این ارتباط برقرار شود)" و در حقیقت گفته‌های آنان (اتحادیه میهنی) را بصورت امری ابلاغ می‌کرد. پس از آن محترمانه به آنها تفهیم شد که همه‌جا دنیا کردستان عراق نیست که آنها بعنوان نماینده گوشه‌ای از این خطه بخوانند فرمانروائی کنند، اینجا کشور دیگریست و این مرکز تحت کنترل رفقای سازمان ما قرار دارد و نه اتحادیه میهنی کردستان عراق. ما با کمال تعجب آنها فاتحانه چنین فرمودند؟! "با استناد به پیامی که داده شد (منظور صحبت‌های دوطرف) بی‌سیم و مکاتبات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فعلاً در اختیار این سازمان نمی‌باشد، چون شرایط اجازه نمی‌دهد، بلکه این امکانات در اختیار اتحادیه میهنی کردستان عراق می‌باشد حالا ما با کاک... (نماینده اتحادیه در خارج از کشور) برای حل مسئله خودمان با او کار داریم" و هنگامیکه مخالفت شدید رفقای ما مواجه شدند، سرانجام بعد از سه روز یکی از رفقای ما را که در همان مقر مستقر بوده مرکز ارتباطات آوردند، معلوم شد که تمام گفته‌های آنها دروغ بوده و آنها فقط برای اینکه با ندمدنی - شیبانی را می‌خواستند به مقر دیوبند ورنده این دروغها متوسل شده‌اند، اصلاً مذاکراتی در کار نبوده و رفتن نصف شب رفقا به مقر جلال طالبانی که از جانب مهدی گفته شده بود صحت نداشته است و ساخته و پرداخته خود آنها بوده است. کلیه صحبت‌های این فرد در حضور ما مستانظم انجام می‌شد و از لحظه‌ایکه متوجه شدیم آنها قصد نفوذ در تشکیلات را دارند تصمیم گرفتیم کلیه صحبت‌های آنها را ضبط نماشیم، هم‌اکنون کلیه کاسه‌های این گفتگو در اختیار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران کمیته خارج از کشور می‌باشد و در صورت ضرورت نسخه‌ای از این نوارها در اختیار نیروها و شخصیت‌های انقلابی و صلاحیت‌دار قرار داده خواهد شد. عین گفتگوی چند روزه رفقای کمیته خارج از کشور سازمان ما اتحادیه میهنی کردستان (مهدی) جهت روشن‌تر شدن حقایق ضمیمه می‌باشد.

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نثر به جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون هیله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

سؤال: بدین ترتیب آنها از همان ابتدا از ایسن با ندجانباری می‌کردند؟

جواب: بله، البته نحوه برخورد جانبدارانه "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی از با ندمندی - شیبانی امروز بر همه آشکار شده است، متن منتشر شده از جانب "کمیسیون تحقیق" برای همیشه بعنوان یک سند تاریخی قابل استفاده خواهد بود. بعد از انتشار علنی نظر "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی دیگر بر هیچکس پوشیده نماند که نقش اتحادیه میهنی کاملاً جانبداری از با ندمندی - شیبانی است و این در شرایطی است که قبلاً نیز حماً دشیبانی بدلیل رابطه پنهانی با حزب دمکرات تنبیه شده بود و سرآخرنیز بخاطر چهار روزیکه از مقرنا پدید شد و بعد معلوم شد نزد آنها بوده از سازمان اخراج شده. اما اگر ما از ایسن

مسائل بگذریم و به اصل سند منتشره "کمیسیون تحقیق" برگردیم آیا مضحکه تحمن و بست نشستن، بعد از عدم موفقیت تسخیر رادیو در مقر "صدای فدایی" که از جانب با ندمندی - شیبانی و سازمانهای شرکت کننده در "کمیسیون تحقیق" اتحادیه عنوان شده، هراسان اندک آگاهی را به این فکرو نمیدارد که چرا "تحمن و بست نشستن" در مقر رادیو و نه در مقر خودشان در "گلانه"؟ آنهم مجهز به انواع سلاحها و نه دست خالی، همراه با تحویل ندادن سلاحهایشان به نگهبانی رادیو، و همزمان از کار انداختن بیسیم مقر کمیته کردستان و سوزاندن بیسیم آنتن بیسیم قبل از حرکت به سمت مقر رادیو، تا رفقای مستقر در مقر رادیو اطلاع پیدا نکنند که این جانیان در حال آمدن هستند، و پس از آن صحبت کردن شیبانی برای پیشمرگان قریب خورده قبل از حرکت بسوی مقر رادیو تا کید برکشتن همه رفقای مستقر در مقر رادیو بجز دونفر را چگونه "کمیسیون" توجیه می‌کند؟! آیا فرار چند نفر را فرادیکه مجهز به سلاح قناسه بوده اند و در پایان درگیری از صحنه فرار کرده اند و تیر - اندازی مداوم این جانیان بسوی رفقای مستقر در مقر رادیو از مردم کردستان کتمان خواهد ماند؟ چرا "کمیسیون" تحقیق نکرد تا حداقل بدانند این افراد از کجا آمدند؟! اگر اتحادیه میهنی همه این چیزها را ندیده و نشنیده می‌گیرد آیا شلیک عنصر خاشاکی بنا مناصر، پس از پایان درگیری در حضور افراد اتحادیه میهنی و بشهادت رساندن رفیق حسن هنگام حمل رفقای مجروح، آنهم ز پشت سر، فقط با شلیک یک تیر کلشینکف که به قلب رفیق اصابت کرد، از دید آنها پنهان بود؟ شاید اتحادیه میهنی و حزب دمکرات در توجیه "مسلط شدن بر اوضاع" و "تقدیر و تمجید همه نیروهای سیاسی" بخوان همه مخالفین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، از این

بیشتر هم به نشر مطالب غیر واقعی بپردازند، اما کس داد حقیقت تا کنون در سینه تاریخ مانده و پویندگان راه آزادی و سوسیالیسم و آزادگان فردا از آن بی‌بهره مانده اند؟ تا کی و چقدر این حقایق پنهان خواهد ماند؟ مسلماً دیداری نخواهد یافت.

آقایان دمکرات و "کمیسیون تحقیق"، چه کسی باور خواهد کرد که شما بیطرف هستید که اینگونه مغرضانه به اظهار نظر بپردازد؟ چه کسی باور می‌کند هنگامیکه عده ای مجهز به انواع سلاحها و با آماجگی حمله نظامی در مقر "گلانه" شعار می‌دهند "می‌رویم اول آنها که در مقر رادیو هستند را بکشیم، بعد بیاییم سراغ شما"، ارتباط رفقای مقرر گلانه و گاپیلون را با از کار انداختن بیسیم قطع کنند، لوله های سلاحهای رفقای سازمان را با خاک پر کنند! سوزنهای سلاحهایشان را بردارند، نواری تمرینی به سبک کودتاگران با صدای زن مصطفی مدنی پر کنند تا بعد از "تسخیر" رادیو بلافاصله بتوانند در مدح "فتوحات" خودیا و سرائی کنند، در روستای نزدیک مقر رادیو سخنرانی کنند و شعرا بدهند بجز دونفر بقیه را بکشید! طرح خود را هم عملی کنند، و وقتی مفتاحانه با شکست روبرو می‌شوند آنگاه "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی قسم بخورد که باور کنید "آمدن کاک حماً دشیبانی و همراهانش به مقری که آقای توکل و رفقایش در حالیکه کاک مصطفی مدنی هم در آن لحظه در آن مقر حضور داشته تنه با خاطر بست نشستن و اعتماد بوده و بهیچ عنوان قصد حمله به این مقر را نداشته و چنین فکری هرگز به فکرهاش هم خطور نکرده است". بر راستی "کمیسیون تحقیق" با توجه به اینهمه دلایل از کجا می‌دانستند که "چنین فکری هرگز به فکرهاش هم خطور نکرده است"؟ حقیقتاً آنها فکرا این با ندر از کی و چگونه می‌دانستند؟

سؤال: با اینهمه، مجموعه اظهار نظرها و موضع گیری های جریانات شرکت کننده در "کمیسیون" خود این با نند به گونه ایست که اینها قصد حمله نداشتند، نظر شما چیست؟
جواب: چه کسی باور می‌کند که این شیخسون ناجوانمردانه، آنهم به مقر رادیوی سازمان از جانب کسانی که خود را "انقلابی" می‌دانستند اتفاقاً بوده! و آنها با این همه ساز و برگ نظامی و با آن همه اعمال خیانت آمیز قبلیه اشان فقط آمده بودند "بست نشینند" و "تحصن کنند"؟! و لا در اسنا مسازمان چریکهای فدایی خلق ایران هیچ ماده و تبصره ای مبنی بر بست نشستن و تحصن وجود ندارد که این با ندبخواهد با استناد به آن، اعمال ضد تشکیلاتی و کودتاگرانه اش را توجیه کند، با نیا استفا ده اتحادیه میهنی از این اصطلاح "بست نشستن و تحصن" نیز اصلاً هیچگونه ربطی به تشکیلات ندارد، مگر اینکه چنین ماده و تبصره ای در اسنا مسازمان اتحادیه میهنی وجود داشته باشد و آنها انتظار داشته باشند که هر کس وارد منطقه تحت کنترل آنها شد ملزم

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نثر به جهان بارنیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حیطه مطبوعه به مرکز فرستنده راهپو صدای فدایی

به اجرای اساسنامه اتحادیه میهنی است و نه اساسنامه تشکیلات خودش. برای روشن شدن اذهان عموم بندی از آئین نامه انضباطی راکه به تصویب پلنوم آذر ماه ۶۱ سازمان رسیده است در زیر می آورم تا همه هم میهنان بدانند افرادی با ندابطرح "تحصن" و "بست نشستن" مرتکب چه اعمال ضد تشکیلاتی شده اند:

اجرای اساسنامه سازمان کلیه رفقای سازمان را موظف می کند:

۱- هیچ رفیقی حق ندارد در حوزه های پاره های پائین خود نظرات خود را تبلیغ نماید بلکه باید در رابطه با این حوزه ها، مواضع و نظرات تصویب شده در سازمان و برنامه عمل سازمان باشد.

۲- همه رفقا در حوزه های اصلی خود که بالاترین حوزه آنها محسوب می شود می توانند نظرات شخصی خود را مطرح نموده و از کمالهای تشکیلاتی نظراتشان را که حتما باید به تصویب مرکزیت سازمان برسد بیرون تشکیلات ارائه دهند.

۳- هرگونه نوشته با امضاء مشترک چند رفیق که در یک حوزه تشکیلاتی قرار دارند بدمنا به روابط فوق تشکیلاتی تلقی می شود.

ملاحظه کنید! آنها در سازمانی بودند که این بخشی از آئین نامه انضباطی اش می باشد. اما آنها بجای اجرای آئین نامه و اساسنامه سازمان و طرح نظراتشان بشکل اصولی، به روش های تشکیلات شکنانه روی آوردند، آنهم نه فقط در محدوده حوزه فعالیت خودشان بلکه در حوزه فعالیت بخش دیگری از تشکیلات (کمیته کردستان) به تبلیغ و ترویج و ایجاد هرج و مرج پرداختند و حتی به سازمانی مخفیانه مبادرت کرده بودند. شما در کدام یک از سازمانها چنین دمکراسی سراغ دارید؟ که اینقدر تشکیلات دست اعضایش را باز بگذارد و به آنها اعتماد نکند؟ اتفاقا اگر افرادی به رفقای کردستان وارد بشدند عتقاد بسیار از خودگذشت زیاده نسبت به این افراد می باشد و نه عدم وجود دمکراسی درون تشکیلاتی. جالب اینجاست که سازمانها نظیر کومه له که اگر کسی به مقرشان مراجعه کند و با پیشمرگان نشان احوال پرسش کند، آن پیشمرگ موظف است تمام صحبت های خود را به مسئولش گزارش کند و در پاره ای موارد هم مواخذه می شوند که چرا کسی که آمدن تو سلام و احوالپرسی کرد و نه یا فرد دیگری؟! آنوقت از روی ضدیت با سازمان داد سخن می دهد که: "اختلافاتی که در غیاب دمکراسی درون تشکیلاتی و اتکاء بر اصول سیاسی روشن به یک بحران درونی شیدانجا می رسد."

سؤال: دامنه تخریب واقعیتها به محافل شناخته

شده خارج از کشور نیز کشیده شد، در حقیقت حزب دموکرات کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان بعلت عدم توان سیاسی-تشکیلاتی در خارج از کشور از این محافل استمداد کردند تا برای اعمال ضد دمکراتیک خود سرپوش بگذارند، نظر شما در این باره چیست؟

جواب: آنها تلاش کردند تا خبر این جنایت هولناک را از طریق محافل پارسی و دیگر متحدان خود و ارونه جلوه دهند و در تکمیل این سناریوی نفرت انگیز همه محافل ضد فدائی و شناخته شده را دور هم گرد آورده اند. آنچه ابتدا از جانب اتحادیه میهنی-حزب دمکرات تصمصم گرفته شده بود، از جانب هواداران نشان نظیر "راه کارگر" و "ما لهما بطرز یکنواختی تکرار شد: "تسخیر را دیو صحت ندارد، آنها برای بست نشستن و تحصن" رفته بودند؟ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دو جناح شد، جناح توکل افراطی و جناح کاک حما دشیبانی و کاک مصطفی مدنی" و حتما جناح غیر افراطی ساختگی آنها دمکرات و واقع بین هم می باشد؟ و لابد در آینده بدستور آنها به افتخار برگزار کنی کنگره با شرکت ۲ عضویکه پس از این توطئه اخراج شدند فرید-مدنی و ۲ عضو خارجی قبلی، یدی - شیبانی، نائل خواهند شد، بدین ترتیب آنها به زودی سازمان دست نشانده ای از قبیل همان سازمان کذاشی بی هویت مجاهدین که سه سال پیش به رهبری رجوی و خیانت "سامع" تشکیل شد مفتخر می گردند.

سؤال: اتحادیه میهنی در قطعنامه شان به یکی از شخصیت های مشهور خلق کردا اشاره کرده بودند، منظورشان چه بوده است؟

جواب: بله، آنها بدون چاپ و یا حتی اشاره ای به پیام های مسئولان و بموقع یکی از چهره های مبارز خلق کرد به آقایان طالبانی و شیخ عزالدین حسینی، تنها به ذکر نام او اشاره به پاسخ پیام ایشان بسنده کرده اند، آقای طالبانی در قطعنامه کمیسیون خود علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران صلاح ندانستند بگویند متن پیام شخصیت مبارز خلق کرد به ایشان چه بوده؟ ایشان مصلحت ندانسته از پاسخ خودش به شخصیت خلق کرد اسمی بمیان آورد، تا برای همه مردم روشن شود که کمیسیون آلت دست آقای طالبانی بوده و وی در پیام مورخ ۸ بهمن ماه خود به شخصیت مبارز خلق کرد عینا همان مسائلی را طرح کرده که در روز ۲۱ بهمن ۶۴ بنام "کمیسیون تحقیق" منتشر کرده است، این نشان می دهد که اتحادیه میهنی از قبیل تصمصم را گرفته بوده است. از آنجا که این پیامها از کمال سازمان ما ردو بدل شده متن پیامها در اختیار ما می باشد، ولی بخاطر حفظ امانتداری از انتشار علنی آنها خودداری می کنیم اما از شخصیت مبارز خلق کرد و همچنین از آقای طالبانی (اگر از روشن شدن حقیقت هراسی ندارد) می خواهیم برای روشن شدن حقایق، این پیامها را منتشر کنند تا همه مردم بتوانند

کنفکوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

در این باره بهتر قضاوت کنند و دریا بندهآیا "کمیسسیون تحقیق" چیزی جز راده آقای طالبانی بوده است یا خیر؟! سؤال: از مطالبی که اتحادیه میهنی تحت عنوان "کمیسسیون تحقیق" انتشار داد، چنین استنباط می شود که آنها به یکسری مسائل درونی سازمان نیز پرداخته اند، نظر شما چیست؟

جواب: بله، شما می توانید با مروری کوتاه بر سه قسمتهای از سند تاریخی "کمیسسیون تحقیق" اتحادیه میهنی براهی متوجه شوید که این جریان چگونه به سه نتیجه تحقیق پیرامون حادثه حمله به "صدای فدایی" و "ارد مسائیل درونی سازمان شده و به اظهار نظرهای غیر اصولی پرداخته است، ملاحظه کنید، آنها می گویند:

۱- "مدت مدیدی است که اختلاف عمیق و مختلفی در بین صفوف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ادامه دارد". حال معلوم نیست که چه کسانی و چگونه از اتحادیه میهنی درخواست کرده اند تا درباره اختلافات درونی سازمان ما تحقیق کنند که آنها به این نتیجه رسیده اند که اختلافات "عمیق و مختلفی" در صفوف سازمان ادامه دارد و مشخص نکرده اند رابطه این اختلافات با "کمیسسیون تحقیق" چیست؟

۲- "بجای اینکه راه حل اصولی و مسالمت آمیز و خردمندانهای برای کاهش اختلافات یافته و نیز بجای اینکه بطریق دوستانه و برادریانه و از راه تشکیل جلسات و مجامع و کنگره اختلافات خود را حل نمایند، آقای شوکل و طرفدارانش اقدام به اخراج کاک حما دشیانی کردند".

اینکه ما از چه طریقی باید مسائلمان را حل کنیم اساساً مسائلمان تعیین می کنند و به اندازه کافی ضوابط در سازمان حاکم است، و نیازی به "راه حل های" اتحادیه میهنی نمی باشد. اما اگر ما دو نفر را اخراج کردیم که کار بسیار درستی کردیم، ممکن است اتحادیه میهنی بفرماید چرا چندی پیش دست به تصفیه درونی زده و صدها نفر از افراد "آلای شورش" را خلع سلاح کرده و رهبران نشان راهنوز در زندان نگاه داشته است؟ اصولاً چرا اتحادیه میهنی خودش بطور "دوستانه و برادریانه و از راه تشکیل جلسات و مجامع و کنگره" اختلافات خود را حل نکردند.

۳- "علیه این اخراج و بمنظور بست نشستن و اعتصاب و درخواست بازگرداندن کاک حما دوشکیل کنگره، عده ای از رفقای چریک از گلابه بطرف مقر دیگران که نزدیکی کاپیلون واقع شده حرکت می کنند".

گویا آقایان مقرر ادیوسازمان را با وزارت کار

اشتباهی گرفته بوده اند که تحصن و بست نشستن در مقر ادیوسازمان را عملی درست دانسته اند، اگر اتحادیه میهنی از ضوابط و اساساً مسائلمان بی اطلاع بوده است، خود این با ندب خوبی می دانند که قوانین و مناسبات بورژوازی و بوروکراتیک در سازمان وجود ندارد که آنها برای برگرداندن شیباتی و تشکیل کنگره اعتصاب کرده بودند!

۴- "از طرف دیگر آقای توکل چریکهای مقر خود را در سنگر مستقر نموده و دستور تیراندازی و تیرباران کسانی از آنها را که با اسلحه نزدیک می شود ما در کرده بود؟"

عجب عمل اشتباهی! چه کسی جز این تصمیم می گیرد؟ مثلاً اگر در مقر اتحادیه میهنی سه نفر پیدا شوند که بنا بر چند ساعت دیگر در اساعت ۳ نیروهای مستقر در مرکز را دیورا که در مقر عمومی جمع می شوند به رگبار ببندند و همزمان عده ای مسلح که از مقر دیگری به قصد حمله مسلحانه به مقر را دیو حرکت کرده اند در حال نزدیک شدن باشند، اتحادیه آنها را خلع سلاح نمی کرد؟ رفیق توکل هم همین کار را کرد، اگر بنا بر شجاعتی که بدلیل متعدد ذکر شده و با تصمیم قبلی و به قصد حمله به مرکز "صدای فدایی" بسرعت در حال نزدیک شدن هستند و طرح حمله آنها را هم یکی از رفقا شیکه این با ندبه غلط فکر کرده بود با آنها همکاری خواهد کرد به اطلاع تشکیلات برساند، دیگران از جمله اتحادیه میهنی چه می کردند؟ آیا آنها به ما جیم دسته گل می دادند که ما گلوله دادیم؟ اتحادیه میهنی برای سرپوش گذاردن بر جانبداری خود از این با ندبه گونه ای اظهار نظر نموده است که گوئی سناریوی یک فیلم وسترن را در دست تهیه دارند، آنها تلاش دارند تا ما را در خیالی خود را هر طور شده قانع کنند که نقش منفی و افراطی منتسب به رفیق توکل را جدی بگیرند و ملتسمانه درخواست می نمایند: "باور کنید آمدن کاک حما دشیانی و همراهانش به مقری که آقای توکل و رفقای در حالیکه کاک مدنی هم در آن لحظه در آن مقر حضور داشته تنها بخاطر بست نشستن و اعتصاب بوده و به هیچ عنوان قصد حمله به این مقر را نداشته و چنین فکری هرگز هم به فکرشان هم خطور نکرده است".

۵- "کاک عباس کامیاری که مسئول شاخه کردستان بوده و مسئول نظامی چریکها، از روی اعتقاد که بخود داشته است به در ورودی نزدیک می شود و در پاسخ به ایست چریکهای مستقر در در ورودی هر دو دست خود را بلند کرده و جلوتر رفته اما متاسفانه کامیاری که در در ورودی سه نگیهانی بوده تیراندازی را شروع و در لحظه عباس کامیاری شهید شده و بدینسان تیراندازی بین دو طرف یعنی از آن دسته که قبلاً در سنگرها مستقر بودند و دسته ای که بمنظور ورود به مقر درجده نشسته بودند شروع می گردد و چنانچه اگر پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان خود را بموقع به

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق منصو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

محل درگیری نمی‌رسانید طرفین همدیگر را قتل عام می‌کردند.

صرف نظراً از اینکه دربار شروع درگیری جریان‌ها مختلف شرکت کننده در "کمیسیون تحقیق" هر یک جداگانه و متضاداً همدیگر را ظاهراً نظر کرده‌اند و علامه داده‌اند، صرف نظر از اینکه اگر پیش‌مرگان اتحادیه میهنی نمی‌رسیدند جز اینکه همان سه نفر با قیما ندها این باندهم که پشت سنگی سنگر گرفته بودند از پا درمی‌آمدند، اما چطور شد که رفیق کاوه به عباس کامیارانی شلیک کرده؟ اما جنازه عباس روی جنازه رفیق کاوه بوده است؟ طبق گواهی پزشک و شهود حاضر در منطقه همه دیده‌اند که جنازه عباس روی جنازه رفیق کاوه بوده و معلوم می‌شود که اول رفیق کاوه شهید شده و بعد عباس کامیارانی کشته شده، بنا بر این چنین ادعائی صحیح نیست. ندارد که عباس کامیارانی هردو دست خود را بلند کرده و رفیق کاوه به او شلیک کرده است. اتحادیه میهنی بی‌بهره تلاش کرده است دلایل مردم پسندی اراشه دهد.

ع- تحقیق و بررسی همه اسناد و مدارک واقعیت را روشن و آشکار می‌سازد که شیوه کاک‌حمادشیبانی و همراها نش به مقر آقای توکل و همراها نش و در حالیکه کاک مصطفی مدنی هم در آن لحظه در مقر حضور داشته تنها بخاطر بیست نشستن و اعتصاب بوده و بهیچ عنوان قصد حمله به این مقر را نداشته و چنین فکری هرگز بفرکشان هم خطور نکرده است. این حقیقت حتی برای کسی که آگاهی متوسطی از جنگ و درگیری داشته باشد مثل روز روشن و آشکار است و اگر مسائلی غیر از این گفته شده گویا قصد تسخیر رادیو در کار بوده، تنها و تنها بهانه‌و عاری از حقیقت بوده و صرفاً جنبه توجیه مسئله سنگر بندی از قبیل اقدام به شروع تیراندازی و کشتار را داشته و در نهایت برای سرپوش نهادن به اتهامات و کشتار فوق‌الذکر بوده که سرانجام در نتیجه تحقیق و بررسی معلوم گردید مسئولیت آن به گردن آقای توکل و همراها نش می‌باشد.

جان کلام اتحادیه میهنی هم در همین جا تهفته است، حال که طرح اشغال رادیو "صدای فدائی" با یورش مسلحانه ناکام ماند، و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همچون کوه استوار برجای خود ایستاده است، بنا بر این اتحادیه میهنی هم، تا کتیک خود را عوض می‌کند و در راستای سیاست ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فریاد بر می‌آورد! "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دو جناح شده و همه تفاقات اخیر هم بگردن جناح افراطی توکل است که سالهاست در یک جبهه با امپریالیسم و رژیمهای دیکتاتور حاکم، و در جبهه‌ای دیگر با بورژوا - لیبرالها و

بورژوا - فرمیستها و سایر عوامل بورژوازی در افتاده و ابدگوش هم به این حرفها بدهکا نیست که آنها در حال ایجا دجبهه متحدی هستند، بله، منافع طبقاتی اتحادیه میهنی اکنون ایجاب می‌کند هر طور شده، حال که بازی خطرناکی را شروع کرده به صورت برای خود و متحدینش طرفی ببیند، طرح ضربتی اشغال رادیو موفق نبود، باشد، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دو جناح شده؟! این سیاست اتحادیه میهنی و هم پیما نانش در ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد. ملاحظه می‌کنید تاکنون اگر علیرغم ادعاهای پوچ اکثر سازمانهای اپوزیسیون مبنی بر اتحاد عمل و ایجا دجبهه واحدی علیه رژیم جمهوری اسلام می‌کوچکترین گام عملی برداشته نشده است، اما درجهست ضدیت با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نه فقط در درون اپوزیسیون ایران بلکه در خارج از مرزهای ایران هم متحد پیدا شده است؟! البته از یک جنبه به نفع انقلاب است، توده مردم از هم اکنون پی به ماهیت واقعی همه جریان‌ها بورژوازی خواهند برد.

سؤال: این روزها سازمانهای زیادی از عدم دمکراسی درون تشکیلاتی سازمان داد سخن داده‌اند، نظر شما در باره آنها چیست؟

جواب: اکثر این سازمانها در عمل نشان داده‌اند که هیچگونه باوری به دمکراسی ندارند چه رسد به دمکراسی درون تشکیلاتی، کارنامه این جریان‌ها نشان دهنده این حقیقت است که هر کجا می‌بسته به قدرتشان شیوه رعب و سرکوب را در سازمان نشان داده‌اند، آنها حتی هر فرد معترض را به شدیدترین وجهی تشبیه می‌کنند و دست آخوری را آنچنان در منگنه قرار می‌دهند که یا مجبور شوند صحنه مبارزه را ترک کنند و یا مثلاً مثل منصور خوش‌خبری خامنه‌و "راه‌کارگر" همه اسناد و مدارک و محتویات جیبش را بگذارند و دست این "دمکراتهای راه‌کارگر" در منطقه‌ها رسد یا ریس خودش را زیر قاطر انداخته دوشقه شود. البته "راه‌کارگر" طی اطلاعیه‌ای برای سرپوش گذاردن بر روی این جنایت خود بدون اینکه اسمی از خود کشتی منصور خوش‌خبری خامنه‌و برد، اعلام داشت: منصور خوش‌خبری خامنه‌و "در سانحه دلخراش قطار در حومه پایریس درگذشت"، و یا مثلاً در سازمان مجاهدین که این روزها خیلی خود را طرفدار دمکراسی، آنهم از نوع درون تشکیلاتی‌اش جا می‌زنند، برای تشبیه معترضین نسبت به سیاست مرکزیت و خداگونه رجوی از تحت نظر قرار دادن و فشارهای روانی استفاده می‌شود تا شکنجه. این جریان هم اکنون نزدیک ۵۰۰ نفر از در زندان‌های خودش در منطقه مرزی کردستان عراق نگاه داشته است که بیشتر آنها جرمشان شهید رفتن انقلاب ایدئولوژیک رجوی - ابریشمی است. طی چند ماه گذشته از این عده سه تن با عبور از سیم خاردار زندان مجاهدین فرار کرده و به سازمان مایبوسته‌اند. آنها افرادی

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشر به جهان با رفیق عضو کمیته

مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران بگرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

را تعلیم داده اند که متخصص شکنجه هستند و برای تشبیه افراد ابتدا از مشت و لگد شروع می‌کنند و بسته به مقاومت فـرد معترض به شیوه‌های کثیف دیگری روی آور می‌شوند، در این سازمان افراد برای اینکه نتوانند صدای اعتراض خود را بگوش کسی برسانند، در هر بخشی که باشند ابتدا به آنها نه ما موریت آنها را به کردستان می‌فرستند و در آنجا ابتدا خلق سلاح و سپس به زندان مرکزی رجوی هدایت می‌شوند، در خارج از کشور علی‌رغم اینکه افراد تشکیلاتی اینها در خانه‌های مخصوص و بدون ارتباط با دنیای خارج نگهداری می‌شوند، اما بغلت فشار محیط و در مجموع بخاطر جو خاکم در خارج، آنها اجباراً بیشتر با افکار و عقاید مختلف آشنا می‌گردند و رهبری مجاهدین را با شکل جدی مواجه ساخته‌اند، چرا که به محض اینکه به کسی پیشنهاد می‌شود ما موریت کردستان بگیرد، ابتدا ذهنش به بازداشت، شکنجه و تیرباران متوجه می‌شود و عموماً از گرفتن این ما موریت اکراه دارند، البته بجز آنها که خاکمیت خداگونه رجوی را قبول دارند، آنها در مواردی حتی اعضاء خود را در خارج از کشور به هلاکت رسانده‌اند، آنها به یمن کمکهای بیدریغ امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه و از برکت ارتباطات بین المللی و دیپلماسی! هم اکنون زندانهای مختلف ایجاد کرده و از بیما رستانهای روانی برای سرکوب مخالفینشان استفاده می‌کنند، آنها هم اکنون چند نفر را در بیما رستانهای روانی نگاه داشته‌اند مثلاً در بیما رستان "اوبون - EAUBON" در شمال پاریس، و در نظر پزشکی فرانسه هم اکنون پرونده‌ای تحت بررسی است که یکی از مجاهدین که تحت نام بیما رستانی در بیما رستان نگهداری می‌شود طبق نظریه پزشکان روانی نیست، علی‌رغم فرستادن چند شاه‌ها از جانب رهبری مجاهدین به بیما رستان و شهادت دروغین آنها مبنی بر روانی بودن فرد "متهم"، پزشکان هنوز دلایل آنها را نپذیرفته‌اند، حتی بیسوی آنها مات مضحکی زده اند که به دیگران حمله کرده است، در حالیکه پزشکان پس از تحقیق گفته‌اند، حمله بیما رحنست نداشته و ایشان سالم است.

ملاحظه کنید! آنوقت این جریان آنقدر از عدم دمکراسی در درون تشکیلات ما به تنگ آمده که می‌خواهند خود را "فدا" کنند.

سؤال: حال که از دمکراسی درونی سازمان چریک‌ها صحبت شد، در باره حزب دمکرات چه نظری دارید؟

جواب: حزب دمکرات کردستان که بدنبال تلاشی "شورای ملی مقاومت" و شکست بر نامه آنها برای ایجاد جمهوری دمکراتیک اسلامی با رئیس جمهوری بنی‌مدرن نخست

وزیری رجوی مدت‌هاست سرگرم مذاکره با رژیم فـد خلق — جمهوری اسلامی می‌باشد، یکی دیگر از جریاناتی است که طی چند سال گذشته بنام "دمکرات" همواره به عمل فـد دمکراتیک ترین شیوه‌ها علیه مخالفین درونی و بیرونی خود دست زده است، مثلاً دمکراسی نوع حزب دمکرات مدت‌هاست که اجازه نمی‌دهد سایر نیروهای انقلابی بسوی جبهه جنگ با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی عازم شوند و با بیانه قرار دادن دریافت برکه مخصوص و یکسری دلایل غیر منطقی دیگر، عملاسدی در جهت مبارزه انقلابی سایر نیروها ایجاد کرده است، این جریان که یکی از حاکمان جدی با تمدنی — شیبان است از همان لحظه حمله به "صدای فدائی" تا کنون از هیچ کمکی به این با نند خودداری نکرده است، از اتومبیل و سایر مکانات تدارکاتی بگیر تا در اختیار گذاشتن ساعت‌ها تلفن مخصوص حزب به این باند تشکیلاتی برای ارتباط با چند عنصر پاسبان و توده‌ای مسلک در خارج از کشور، این جریان "دمکرات" که تحمل کوچکترین انتقادی را نداشته و ندارد با رها تلاش کرده است تا با استفاده از روشهای غیر سیاسی مخالفین خود بر خورد نماید، مثلاً حدود دو سال پیش، هنگامیکه مقاله "دوره بیشتر وجود ندارد" در نشریات سازمان چاپ شد و در آن با حزب دمکرات نیز برخورد شده بود، حزب چند عنصر غیر سیاسی مست را به مقر سازمان که آن موقع در "خورخوره" بود گسیل داشت و آنها با تهدید چاقو تهدید می‌کردند و قریباً می‌زدند نویسنده مقاله را باید فرستید بیرون از مقر تا ما به او بقیه ما نیمی با کی در افتاده است! [در ادامه همین روش دمکرات منشأ نه، حزب دمکرات اکنون کار را بجای می‌رساند است که در بر نامه‌های رادیوئی خود بطور غیر مستقیم به جناحیت هولناک حزب دمکرات در سال ۵۹ که دستور دادند به مقر سازمان پیکار در ربوکان حمله کنند و بعداً زبه شهادت رساندن سه تن از اعضاء پیکار در همان مقر سر آنها را بریدند می‌باید می‌کنند، آنها قریباً دبر آورده اند که ببله اگر نمی‌دانید دمکرات کی هست! بدانید بودند کسان در ربوکان که حرفهای می‌زدند و به چه سرنوشتی دچار شدند، و یکسری خرده فرمایشات از این دست، ببله ما بیاد داریم، خلق کرد و مردم سراسر ایران هم بیاد دارند و هرگز این جناح نیست را فراموش نمی‌کنند، حزب "دمکرات" مطمئن باشد، مردمی که زیر بار رنگ حکومت شاه و رژیم جمهوری اسلامی نرفته، هرگز زیر بار رنگ سلطه کسان که بخوانند به سایر نیروهای انقلابی حمله مسلحانه کنند و سر آنها را که هیچ، حتی اگر سر دشمن را هم بخوانند ببرند، نخواهند رفت، اینگونه اعمال ریشه در تفکر و منافع طبقاتی رهبران حزبی دارد که خود را دمکرات می‌دانند اما اگر از اعمال و کردار ضد دمکراتیک آنها انتقاد بشود، آنوقت حزب دمکرات در درون سازمان — های دیگر با چاقو بدنبال نویسنده مقاله می‌گردد!!

حزب دمکرات کردستان که اکنون تعداد مخالفانش

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نرسه جهان بار فقی عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مکه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

بمرا تب بیش از موافقان میباشود طی بویژه یکسال گذشته تعداد زیادی از کمیته مرکزی، اعضا و جمع کثیری از پیشمرگانش از اذمه فعالیت با حزب خودداری کرده و جدا شده اند تا کنون با انواع شیوه های ضددمکراتیک و روشهای ارباب از فعالیت آنها در منطقه جلوگیری کرده است. حزب دمکرات اکنون بجای مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و شرکت در سرنوشتی رژیم به مذاکره با رژیم پرداخته که هیچ معنای به جز کمک به دوام و بقا بیشتر رژیم جمهوری اسلامی نداشته و نخواهد داشت. آنها اکنون بیشترین انرژی خود را صرف ایجاد شکاف و پراکندگی در درون سازمانهای دیگری نماییند، به این امید که سازمانهای دیگر تضعیف گردند و از انسجام درونی آنها کاسته شود تا بموقع، قاطعانه نتوانند سیاست سازشکارانه حزب دمکرات را افشا و بر ملا سازند، بهر صورت این گونه روشها برای این جریان چاره ساز نیست و در نهایت حزب دمکرات بجز کمک به چند عنصر و مانده از مبارزه و ترور شده از صفوف سازمانهای انقلابی کساری از پیش نخواهد برد، ما تا کید می کنیم حزب دمکرات بجای مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی و کمک به دوام بیشتر این رژیم ضد خلقی به مبارزه جدی علیه رژیم جمهوری اسلامی و کمک به سرنوشتی این رژیم مبارت نماید، از صرف انرژی بیهوده برای ایجاد پراکندگی در صفوف جنبش انقلابی خودداری نماید و بیش از این از مبارزات انقلابی سراسری قاطعانه بگریزد.

سؤال: خبرهای رسیده از کردستان حاکی است که بعد از حمله به "صدای فدایی" و پس از تصرف مقر سازمان از طرف اتحادیه میهنی کردستان، در تاریخ نهم بهمن ماه به بهانه برگرداندن باند مدنی - شیبان، پاسداران رژیم جمهوری اسلامی در همان منطقه ترور می کنند، آیا ارتباطی بین این جایگزینی "مهمانان" و حمله به "صدای فدایی" از جانب اتحادیه میهنی کردستان بوده است؟

جواب: حدود پنج ماه پیش در جریان مذاکراتی که با آقای طالبانی داشتیم، ایشان مطرح کردند تا کنسون رفسنجانی چندین مرتبه از اتحادیه میهنی کردستان خواسته است تا از فعالیت های سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وادامه کار "صدای فدایی" جلوگیری کنند، حتی مطرح کرد که رفسنجانی گفته اینها که محلی و متعلق به کردستان عراق نیستند، چرا اجازه دیدار منطقه شما بمانند، آقای طالبانی همچنین اظهار داشت: "ما انقلابی هستیم و زیر بار این خواسته رفسنجانی نمیرویم، از طرفی می خواهیم با سازمان شما رابطه دوستانه مان را حفظ کنیم، در این بازه صحبت -

های مفصلی شد و متقا بلا به ایشان یادآور شدیم، شما ممکن است بخوا هیذا زتضا ده ای موجود در منطقه استفا ده کنید، اما نباید مانع مشترک خود را با سایر جریانات انقلابی منطقه و همبستگی با سایر نیروها را مدنظر بگیرید، البته صحبت های زیادی در این باره صورت گرفت و ایشان تاکید داشتند هرگز خواسته رژیم جمهوری اسلامی را برآورده نخواهند کرد، بهر صورت اکنون زمان زیادی از آن گفتگوی ما با آقای طالبانی نگذشته است، می بینید که در عمل پیشنهاد رفسنجانی متحقق شده و عملاً از فعالیت انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وادامه کار "صدای فدایی" جلوگیری شده است، البته ظاهراً نه به درخواست رفسنجانی و موافقت آقای طالبانی بلکه بدست مصطفی مدنی و حامد شیبان، اینکه آمدن پاسداران به آن منطقه و ترور آنها چه ارتباطی با حمله به "صدای فدایی" داشته است موضوعی است که قطعاً در آینده پس از تحقیق و بررسی های لازم بطور مشخص ترمی شود راجع به آن صحبت کرد.

سؤال: تکلیف و سایل تسلیحاتی و مخا براتی سازمان که اتحادیه میهنی در اختیار خود گرفته است چه می شود؟

جواب: اتحادیه میهنی کردستان حدود بیش از ده میلیون تومان و سایل سازمان را به بهانه نامن بودن منطقه و یکسری دلایل واهی دیگر به مقر دفتر سیاسی خودش منتقل نموده است، آنها برخلاف حتی ادعای خودشان در سند منتشر شده از جانب "کمیسیون تحقیق" که خود مدعی شده بودند و سایل و امکانات سازمان را در اختیار هیئتی مرکب از "نیروهای ایرانی" قرار خواهند داد، اکنون مستقیماً و سایل را در اختیار خود گرفته اند، البته از نظر ما در اصل هیچگونه فرقی نداشت که و سایل سازمان در اختیار "نیروهای ایرانی" قرار گیرد و یا در اختیار آقای طالبانی، اصولاً این کار به معنای دخالت در امور داخلی سازمان محسوب می شود و عملی است ضددمکراتیک و غیر منطقی، علاوه بر این اتحادیه میهنی برخلاف ادعای قبلی اش در سند "کمیسیون تحقیق" بخشی از امکانات انتشاراتی سازمان را به باند مدنی - شیبان داده و طی نامه ای رسماً به سازمان نوشته اند که آنها را بطور "مانت" در اختیار این باند گذارده اند، این امر نشان دهنده این واقعیت است که اتحادیه میهنی خود را موظف بدرعایت هیچگونه اصول و پرنسیپی نمی داند، حتی اگر از جانب خودش بطور علنی هم در سطح جنبش نوشته و امضا شده باشد، آنها تا کنون چندین مرتبه کتباً و شفهاها از سازمان خواستار تقسیم و سایل موجود در مقر رادیوی سازمان شده اند و در پاره ای موارد هم تهدید کرده اند که اگر سازمان زیر بار تقسیم و سایل نرود، آنها بخشی از و سایل تسلیحاتی و مخا براتی را به باند مدنی - شیبان خواهند داد، در صورت اتحادیه میهنی مطمئن

کشتکوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان بار فنیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مطبوعه به مرکز فرستنده رادیو "صدای فدایی"

باشد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نه فقط زیر بار سنگ دخالیت آنها در امور داخلی سازمان نرفته و نمی رود، چه برسد به تقسیم و سالی که از دسترنج کارگران و زحمتکشانی ایران تهیه شده است تا در خدمت اهداف انقلابی سازمان قرار گیرد. اتحادیه میهنی اگر هزار بار دیگر هم به ما پیشنهاد تقسیم و سالی را بدهد هزار بار دست رد بدستینش خواهد خورد. ما از یک ریال و سالی که آنها در اختیار دارند نخواهیم گذشت و مجدداً به آنها یادآور می شویم کلیه و سالی و امکانات سازمان را به نماینده کمیته کردستان سازمان در منطقه تحویل دهند. اما در صورتیکه آنها دست به ماجراجویی بزنند و بخواهند بدلائل واهی بخشی از و سالی موجود در مقر رادیوی سازمان را به باد ندمندی - شیبانی بدهند، از نظر ما این یک عمل شرارت آمیز محسوب می شود، ما از هم اکنون مسئولیت عواقب بعدی اینگونه اعمال ضد مکر استیجک و دخالتهای بیجا در امور داخلی سازمان را بعهده مکر استیجک و مکر استیجک کردستان ایران و اتحادیه میهنی کردستان عراق می گذاریم.

سؤال : سرنوشت باند ندمندی - شیبانی و اصولاً افرادی که به سازمان خیانت می کنند چه می شود؟

جواب : افرادی که به سازمان خیانت کنند و در سازمان بعنوان خائن شناخته شوند، بسته به نوع خیانتشان قطعاً مجازات خواهند شد. در گذشته نیز بودند افرادی که بعلت خیانت به سازمان و خلق در دادگاه انقلابی سازمان محاکمه و مجازات شدند. در همین رابطه مسئله قابل تعمقی وجود دارد و آن اینکه طی چند سال گذشته بعلت اوج گرفتن مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک بین سازمانهای مختلف که خود وجهی از مبارزه طبقاتیست، بعضی جریانها که تا به تحمیل این مبارزه را نداشتند، برای مقابله با سایر جریانات و در حقیقت برای جبران عقب ماندگی خود به فکر استفاده از خائنین به سازمانها افتاده اند و بعضاً تا آنجا پیش رفته اند که آن عناصر خائن را به جنبش خادم و انقلابی معرفی کرده و حتی به عضویت سازمان خود پذیرفته اند. این عمل شنیع که خود بیان کننده ماهیت طبقاتی و انحطاط و ورشکستگی این سازمانها می باشد در اصل بعلت رویگردانی آنها از مبارزه اصولی و سرپوش گذاری بر ناسوانی نظری آنها صورت گرفته است. اما در باره باند ندمندی - شیبانی ما در هر موقع و هر جا که سازمان ملاحظه بداند آنها را مجازات می کنیم، ما هرگز توسطه مسلحانه این خائنین به خلق و خود - فروشی آنها را بی پاسخ نخواهیم گذاشت. در این میان هستند جریاناتی که هنوز از سرنوشت رقت انگیز رهبری

مجا همدین و سازمان سازی بی هویت آنها در سال ۶۱ درس عبرت نگرفته اند، آنها بطور مستقیم و غیر مستقیم سعی در تقویت این باند خائن می نمایند. این جریانها که از احساس مسئولیت سازمان در مقابل جنبش و عدم اعتقاد ما به مقابله به مثل سوء استفاده کرده اند، مدتهاست تلاش فوق العاده ای را بکار گرفته اند تا از این طریق موجبات تضعیف جنبش کمونیستی، بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را فراهم سازند، با اینهمه یکبار دیگر به کلیه جریاناتی که خط مشی خود را بنسبتی از عناصر مرتد و خائن به خلق قرار داده اند و بیپهوده تلاش می کنند از این طریق سازمان چریکهای فدائی خلق را تضعیف کنند یادآور می شویم این عمل آنها تنها بسود رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی تمام خواهد شد.

همانگونه که تاریخ پر افتخار ما زنده سالها سازمان نشان می دهد ما همواره در کنار مبارزه بی مان خود علیه رژیمهای دیکتاتوری حاکم بر ایران، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک و افشای بیرحمانه همه جریانات غیر پرولتری را در سطح جنبش سازمان زده ایم و به این سیاست خود ادا می خواهیم داد. گواه این حقیقت مبارزه و مقاومت قهرمانانه و پر افتخار سازمان ما در مقابل رژیم دیکتاتوری شاه و رژیم جمهوری اسلامی می باشد. اگر هنوز افرادی پیدا شوند این حقیقت ساده را نفهمند که از طریق تقویت افراد مرتد و بی مقدار نمی توانند به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لطمه ای وارد سازند، بگذار هر چه بیشتر ما هیئت عوام فریبانه خود را در برابر توده مردم فاش و بر ملا سازند، ما با عزمی راسخ و سرفراز به راه پرافتخار خود ادامه خواهیم داد.

"کل همین جا ست، همین جا برقص"

ضمیمه

متن مکالمه بیسیسیم بین مرکز ارتباطات خارج از کشور و

مقر رادیوی سازمان

به دلیل مسایل امنیتی، بعضی مطالب را (که در این سوشه به صورت نقطه چین مشخص شده است) از متن اصلی گفتگو، که بر روی نوار موجود است، حذف کرده ایم. در این نوشته همه جا "الف" منظور رفرنسی فدائی مستقر در مرکز ارتباطات در خارج از کشور می باشد و "ب" عنصر

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته

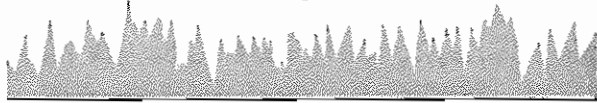
مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان جریکهای فدایی خلق

ایران بیرامون جمله سلطانه به مرکز فرستنده راهپو صدای فدایی

خانگی بنام مهدی از باند مدنی - شیبانی است که از جانب اتحادیه میهنی کردستان عراق به وی تکلیف شده بود خود را "د" یکی از رفقای مستقر در بخش ارتباطات سازمان در کردستان معرفی نماید. اتحادیه میهنی از روزنهم بهمن ماه همزمان با انتقال باند خائن مدنی - شیبانی از مقر اتحادیه میهنی به مقر اادیوسا زمان سه روز تلاش کرد تا این عنصر خود فروخته را بجای رفقای ما جا بزند.

قبل از ضبط این مکالمه از طرف اتحادیه میهنی که آن موقع (بعد از ۹ بهمن ماه) در مرکز ارتباطات رادیوسی سازمان مستقر شده بود به ما اطلاع دادند که رفقای مسئول در مقر اادیوسا زمان جهت مذاکره با آقای طالبانی همگی در دفتر سیاسی اتحادیه میهنی هستند و با آورشند از این پس کلیه تصمیمات این نشست وسیله آنها (مهدی) به ما اطلاع داده خواهد شد! مکالمه بین رفقای مستقر در مرکز ارتباطات خارج از کشور و عنصر اجیر شده ای از طرف اتحادیه میهنی به نام "مهدی" می باشد.

رهبری اتحادیه میهنی کردستان با زیر پا گذاشتن کلیه اصول و پرنسیپهای انقلابی و با ارتکاب جنین اعمالی نشان داد که از هیچ تلاشی در جهت نفوذ و ضربه زدن به سازمانهای انقلابی فروگذار نمی باشد، و در غیر این صورت اجیر کردن فردی از باند مدنی - شیبانی و تکلیف کردن به وی تا خودش را "د" معرفی کند آنهم در کنار رهبران اتحادیه میهنی به چه معناست؟! آنها ابتدا مطرح کردند پدیا می از جانب رفقای مستقر در مقر رادیوبرای رفقای مرکز ارتباطات خارج از کشور دارند (مضمون پیام این بود که نماینده اتحادیه میهنی را جهت صحبت با اتحادیه میهنی در کردستان به مرکز ارتباطات خارج از کشور بیاوریم؟! پرسیدیم آیا پیامی دیگر برای خود ما نیست، جواب دادند خیر.



الف: می گویم، آنوقت که رفقا می رفتند پدیا می، چیزی برای ما نگذاشتند؟

ب: وقتی که رفتند، چون پیشمرگان اتحادیه میهنی آمدند و آنها را برداشتند و بردند.

الف: بله

ب: ... صدای مرا می شنوید؟

الف: بله، بله

ب: یک پیام فوری دارند که ترجمه اش می کنند به فارسی،

دارند تغییرش می دهند به فارسی تا من برای آن بفرستم. این پیام نیز مربوط به خود اتحادیه میهنی و نماینده شان بود.

"علیرغم اینکه چندین مرتبه به مهدی گفتیم که تو رفیق "د" نیستی اما او اصرار داشت که وی رفیق "د" می باشد با اینهمه مجدداً از او پرسیدیم.

الف: شما همان رفیقی هستید که اولش "دال" است و آخرش هم "..." است، درسته؟

ب: بله، بله

الف: راجع به آن ... رفیق پدیا مدادندیا خود دوستان پدیا مدادند؟

منظور از دوستان اتحادیه میهنی می باشد.

ب: این پیام از طرف اتحادیه میهنی است که توسط آن رفیق ارسال می شود.

(آن رفیق منظوریکی از رفقای مرکزیت می باشد)

خوب توجه کنید، طبق این ادعا یعنی رفیق عضو مرکزیت سازمان پیام اتحادیه را فرستاده که ما به نماینده شان در خارج بدهیم، در ادامه همین گفتگو متوجه خواهید شد که این فقط یک دروغ محض بوده است.

الف: بله، بله

الف: یعنی شما از طرف اتحادیه میهنی هستید، آره؟

بعد از این سؤال، مهدی گجج شده بود و نمی دانست چه بگوید در حالی که با فرد دیگری صحبت می کرد بطور عصبی ادا می داد:

ب: ته بندنه، الان، من صدای مرا می شنوی من از طرف رفقا آدم، از آنها نیستم پدیا مرفقای اتحادیه میهنی را

دارم برای شما می خوانم این رفقا الان امکانش نیست بیایند یک سری از رفقا مثل کاک (ع) رفیق (ع) با رفیق (آ)

الان آنجا هستند، توی جلسه اند صحبت می کنند و هرچی صحبتی چیزی باشند نتیجه های اینها توسط من به شما انتقال داده می شود، از طریق اتحادیه میهنی من با اینها صحبت می کنم

که اینها از آنجا برای من بیاورند هر کاری که اونجا نتیجه گیری می شود، متوجه می شوید

الف: بله

از آنجا که در ابتدای صحبت (بیش از نیم ساعت به آنها) تذکر داده بودیم که بدون اینکه رفقای مسئول در

مرکز ارتباطات حضور یا بند گفتگویی صورت نمی گیرد و آنها نیز اصرار داشتند که این خواست اتحادیه میهنی است، و

با فشاری می کردند که فرد مسئول هم از جانب سازمان حضور دارد رفیق "د" یعنی (مهدی خائن)، سرانجام به نمایندگان

اتحادیه میهنی اطلاع دادیم تا زمانیکه رفقای مورد نظر ما یعنی یکی از دو عضو مرکزیت سازمان که در مقر حضور داشتند

و نه رفیق "د" (۱) جهت صحبت با ما نیاید ما هیچگونه ارتباط جدی برقرار نخواهیم کرد، متقابلاً آنها از ما درخواست

کردند که ما می توانیم به صحبتها یمان ادا می دهیم تا آنها

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

تصمیمات لازم را با مشورت دفتر سیاسی اتحادیه میهنی اتحادیه میهنی آنها پس از ۲۰ دقیقه چنین گفتند:

"با استناد به پیامی که داده شد (منظور صحبت های دو طرف) بی سیم و امکانات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فعلا در اختیار این سازمان نمی باشد، چون شرایط اجازه نمی دهد، بلکه این امکانات در اختیار اتحادیه میهنی کردستان عراق می باشد حال ما با کاک... (نماینده اتحادیه در خارج از کشور) برای حل مسائل خودمان، با او کار داریم." از بیانی آنها این بوده است که چون دوتن از رفقای مرکزیت ما آنجا هستند بنا بر این، ما برای جلوگیری از تیره شدن روابط و احیانا جلوگیری از اتفاقات دیگر تسلیم این خواست آنها خواهیم شد! اما بزودی دریافتند که هرگز تسلیم درخواست آنها نخواهیم شد و همانگونه که در زیر خواهد دید بتدریج تاکتیک خود را عوض کردند.

ب : جواب این را چی می دهید

الف : از قول من به شان بگوئید که اول این مسئله نیست که ما با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم و قبل از اینکه صحبت کنیم برایمان مقدور نیست، متوجه هستید چی می گوئیم، بگوئید صرف نظر از این پیامی که فرستادید که این یک برخورد غیر منطقی است و کاری ندارم که اصلا به این مسئله بپردازم ولی درباره خواست شما

ب : چند لحظه اجازه دهید

الف : درباره خواسته شما با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم و قبل از اینکه صحبت کنیم برایمان مقدور نیست چون ما با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم، متوجه هستید.

خواست آنها این بود که هر طور شده نماینده اتحادیه میهنی به مرکز ارتباطات سازمان در خارج از کشور آورده شود!!

ب : یکبار دیگر این قسمت آخر را صحبت کنید ببینم چی می گوئید متوجه نشدم.

الف : گفتیم که برای اینکار، برای ایجاد ارتباط با هر کس ضرورتا با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم و قبل از اینکه با رفقای خودمان صحبت کنیم برایمان مقدور نیست. بلکه گفتیم ضرورتا با یدبا رفقا یمان صحبت کنیم بعدا همانطور که قبلا گفتیم اگر ضرورتی باشد ایشان را می آوریم به مرکزی که بتوانند تماس بگیرند.

ب :

الف : بله، بله

ب : پس شما صبر کنید تا اینها را منتقل کنیم و جواب بگیریم باشد.

الف : ببین، بگو که بهتره که ما یک صحبتی با رفقا یمان

بکنیم.

ب : چند لحظه اجازه بدهید... صدای ما را می شنوید
الف : بله، بله

ب : رفقای اتحادیه میهنی می گویند جواب این مسئله را که ما چون اینجا مکان این نیست، امکانی وجود ندارد که ما با آنها تماس بگیریم ولی جواب این مسئله شما را که می توانید با آنها صحبت کنید وقتی که دوباره ساعت... تماس برقرار می کنید به شما می گوئیم که آیا آن رفقا می توانند بیایندا اینجا صحبت کنند یا نه، متوجه شدید؟

الف : بله، بله. ببینید، بهتره که بهر صورت یک پیامی فوری بفرستید یکی از رفقا بیاید ما صحبتمان را بکنیم این بهتر است.

ب : من این مسئله صحبت را منتقل کردم و گفتند ساعت... جواب می دهیم، یعنی ساعت دیگر که شما با ما تماس می گیرید
الف : می گوئیم، که از قول من یک پیام دیگر هم بدهید. متوجه هستید؟ بگوئید آن رفقا ئی که حالا آنجا هستند، یکی از رفقا بیایند، یکیشان، تا ما صحبتها یمان را بکنیم، یعنی یکیشان حتما تا ساعت... آنجا باشند.

ب : ... جوابی که تا کنون دادند می گویند الان امکان ندارد مگر اینکه تماس بگیریم و صحبت کنیم با رفقای اتحادیه میهنی اگر آنها به... آن موقع مشخص می کنیم که آیا می توانیم تماس بگیریم... گفتند آن موقع جواب این مسئله را به شما می دهیم.

بعد از اینکه متوجه شدند اولتیماتوم آنها کار ساز نیست، روش نرمتری را پیش گرفتند و بنا شد دوباره مشورت کنند و قرار ساعت... را گذاشتند.

الف : می دانم، داریم می گوئیم که شما یک پیغام از طرف من همین الان با بی سیم به آنها، به رفقای ما بدهید.

ب : که چی؟

الف : شما تماس بی سیم دارید، الان این پیام را بدهید از قول ما به ما مجلال، بگوئید که یکی از رفقا را سریعتر، فوراً بفرستند که ما ساعت... با آنها صحبت کنیم.

ب : باشد، باشد... صدای مرا می شنوید

الف : بله

ب : طبق پیامی که اینجا برای ما می آورند و صحبتی که می کنند و می گویند که درباره همین موضوع که صحبت شده می گویند بیاید صحبت بشود رویش تا اینکه ساعتی که ما تماس داریم مشخص کنیم که آیا می توانند یکی از رفقا بیایند با شما صحبت مستقیما بکنند یا خودش مستقیما صحبت بکند. یعنی از رفقای خودمان یعنی رفیق (ع) یا یکی از رفقایا، نه، سه ساعت دیگر که ما با شما تماس داریم جواب همین را به شان می دهیم

الف : باشد، بهر صورت ما می توانیم منتظر بمانیم

ب : کاری ندارید؟

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون حمله سلطانه به مرکز فرستنده رادیو هدای فدایی

الف : کار دیگری نداریم، سعی کنید که حتما یکی از رفقا ساعت ... بیایند
 برای اینکه بدانیم مهدی که مدعی است پیا مها و تصمیمات رفقا به روی اطلاع داده می شود چه ارتباطی با رفقا دارد، می پرسیم :
 الف : شما می توانید با آنها تماس بگیرید یا نه ؟
 جواب می دهد :
 ب : ... فقط غیر مستقیم می توانیم با آنها صحبت کنیم درحالی که قبلا گفته بود همه تصمیمات به من مستقیم انتقال داده می شود .
 الف : بله ، خوب غیر مستقیم که می توانید صحبت کنید ، این را می توانید با ایشان در میان بگذارید که فلانی گفته که حتما ساعت ... یکی تا ن بیائید که صحبت کنیم
 ب : باشد ، باشد ، الان کاری دیگری ندارید شما ؟
 الف : نه کاری ندارم .
 ب : پس من قطع می کنم ۳ ساعت دیگر از همین ساعت همین حالیه این وقتی که در ریم ۳ ساعت دیگر با شما تماس می گیریم .
 الف : یعنی ساعت ... (بدلیل امنیتی ساعت حذف شده)
 ب : به ساعت ما می شود ساعت ... باشد ؟
 الف : باشد ، باشد
 ب : کاری
 الف : نه تلاش کنید که حتما یکی از رفقا بیاید از قول مسن بگویید حتما یکی تا ن بیائید برای صحبت لازم است
 ب : باشد ، باشد من همین را می گویم - کاری ندارید
 الف : نه خدا حافظ
 اتحادیه میهنی قزلباشی می از فردی خواسته بودند که شخص مورد نظر آنها پیام را داده بود در اینجا دور بعدی گفتگوی ما با آنها شروع می شود .
 الف : صدای مرا می شنوی ؟
 ب : بله ، بله
 الف : این دوستان می خواست بدانند که شما که پیام را می گیرید دقیقا اسمتان چیست که ما به او بگوئیم
 ب : "د" ...
 الف : می دانم ، این اسم را ایشان می شناسد ؟
 نحوه سؤال ما در اینجا آگاهانه طوری است که برای آخرین بار به این عنصر خود فروش حالی کنیم که ما می دانیم تو "د" نیستی ، اگر نه ، خودمان خوب می دانستیم که فرد مورد نظر "د" را نمی شناسد ، اما وی با زهم بطرز کودکانه ای اصرار داشت که "د" می باشد و جواب داد :

ب : من نمیدانم می شناسد یا نمی شناسد - شما اسم مرا می خواهید من گفتم ، من را بطم
 الف : می دانم آخر به این اسم وقتی من بگویم شما را می شناسد که من بگویم به ایشان دادیم پیا مرا ؟
 ب : ... اینجا کسی که پیا مرا می گیرد اسمش ما موستانا ظم است
 الف : باشد ، گرفتیم ، ما می گوئیم به صورت به ایشان دادیم آره ؟
 ب : ایشان الان ... و منتظر گرفتن پیام هستند
 الف : به صورت ایشان بزودی خودشان تماس می گیرند - متوجه هستید چی می گویم ؟ ایشان گفتند که من توضیح بیشتری الان ندارم بدهم سلام رسانند و گفتند من بزودی تماس می گیرم - متوجه هستید چی می گویم
 ب : ... قبل از اینکه پیا مرا شروع کنید اسم رفیقمان را که اینجا هستند تکرار می کنیم که درست و کامل گرفته باشد ما موستانا ظم
 الف : تکرار کن
 ب : ما موستانا ظم
 ب : ... نام پیا مدهنده را یکبار شما تکرار کنید
 الف : ببین ، نامش را ما نمی توانیم تکرار کنیم شما نیز لطفا تکرار نکنید
 ب : چند لحظه صبر کنید ... باشد !
 الف : ایشان تا کی دادا شدند و می گفتند که تعجبم که چرا اسم مرا آوردند و چرا اینطوری شده و در هر صورت از من خواستند و تا کی دادا شدند که اگر مکان داشت ما اسم ایشان را بگوئیم (فردیکه پیا مرا می گیرد) که ما اسم ما موستانا را به شما می دهیم و تا کی دادا شدند که این مسائل را به خود ما جلال انتقال دهید گرفتید ؟
 ب : بله ، گرفتیم
 الف : به صورت شما می دانید که پیا مرا چه دوستی داده ، همان ...
 ب : بله ، بله ، الان او پیش شماست ؟
 الف : الان نیست ولی چند لحظه بمانید روی فرکانس تا من الان یک جواب دیگر به شما بدهم
 ب : فقط یک چیزی این رفقا می گویند که آنکه این پیا مرا داده کار ملا در جریان نبوده
 منظور ما بنده اتحادیه میهنی در کردستان است که بدون در نظر گرفتن مسائل امنیتی چند اسم را قبلا زبی سیسم خوانده بودند در نظر داشته باشد که اسمی را اتحادیه میهنی داده بود مهدی آنها را بطور زنده خواند .
 الف : به صورت شما روی فرکانس بمانید و منتظر است ممکن است که اگر بتوانیم تماس بگیرد
 ب : باشد ، باشد ، اینجا ما می دانیم منتظر ایشان ، این رفقا می گویند ما اینجا پیا می ، کاری نداریم اگر آنکه آنجا نشسته

گفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشر به جهان یار فیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون جمله مطحانه به مرکز فرستنده رادیو هدای فدایی

پیا می چیزی داردمی تواند بر ایمان بفرستد منظورا زآنکه آنجا نشسته، فردمورد نظر خودا تحادیه میهنی می باشد که برایشان پیا فرستاده.

الف: ببینید، الان ایشان اینجائونشسته، ایشان جایی دیگری هستند که با این مرکز در تماس است

ب: بله، بله، می گویند اگر پیا می دارند برای ما بفرستند
الف: با شیدتا من انتقال بدهم پیا می شما را مجدداً اگر پیا می دادند به شما بدهم. (پس از چند دقیقه ادا می دهیم)
صدای مرا می شنوی - ایشان می گویند که من الان منتظر کسی دیگر هستم و جای دیگر و جای دیگر را با پدیمایم برای گرفتن پیام دیگری و می گویند موقعی که آن پیا می را گرفتیم و پیا می را تا امشب می گیرم و پیا می که داده ام برای شما می فرستم

ب: بله، بله

الف: می گوید الان پیا می خاصی ندارم

ب: بله، بله

الف: اگر شما باز پیا می می، صحبتی دارید می توانید بگوئید ایشان خودشان می شنود، ولی می گفتند صدایشان به شما نمی رسد
ب: صحبت خاص یا پیامی برای ایشان ندارم و منتظر پیا می م...

الف: بله، چون صدا خراب است ممکن است ایشان درست متوجه نشده باشند یا جا ز به بدهید من دوباره حرف شما را تکرار کنم، صدای مرا می شنوید، ایشان خدا حافظی کردند و گفتند در هر صورت من امروز با پدیمایم برای انجام کاری و به محض اینکه پیا می آمده شد برای شما می فرستم، متوجه شدید؟

ب: پیا می ما کاری دارید شما الان

الف: ما کاری نداریم - کار خاصی نداریم بهر صورت کارمان که قرار می بگذاریم برای فردا صحبت کنیم

ب: رفقا "یه کتین" اینجا معتقدند که برای فردا یک قرار داشته باشم ساعتی که امروز تماس گرفتیم ساعتی که امشب تماس گرفتیم، شما اگر کاری ندارید تماس را قطع کنیم
الف: الان که ما کاری نداریم شما ببینید آنجا کسی با ما کاری ندارد؟

ب: الان هیچکس با شما کاری ندارد، ما هم با شما کاری نداریم و تا فردا سرمان ساعتی که امروز تماس گرفتیم خدا حافظ می کنیم

الف: باشد، خدا حافظ

در حالیکه رفقای ما در همان مقر حضور دارند و از تحادیه میهنی می پرسیم ببینید کسی با ما کاری ندارد، آنها "بیطرفانه" و "مسئولانه" می گویند "هیچکس با شما کاری ندارد؟!"

مجدداً در نوبت بعدی تماس ما به آنها تا کید کردیم که حاضر

نیستیم با آنها گفتگویی داشته باشیم، چرا که اکنون دیگر تمام نیرنگهای آنان برایمان فاش و برملا شده بود و ادامه این گفتگو فقط می توانست لطمات بیشتری را از جنبه امنیتی متوجه تشکیلات ما بنماید. آنها نیز همچنان اصرار داشتند هر طور شده این ارتباط را حفظ کنند.

الف: متوجه هستید، ما بدلائل امنیتی فقط می توانیم با رفقای خودمان این ارتباط را ادا می دهیم

ب: چند لحظه... تکرار کنید

الف: از قول من به دوستان "یه کتین" بگوئید، ما به بدلائل امنیتی این ارتباط را فقط با رفقای خودمان می توانیم ادا می دهیم

ب: بله

الف: ادا می این ارتباط به این صورت از لحاظ امنیتی صحیح نیست

ب: ادا می دهید

الف: همین! شما از قول ما به دوستان بگوئید ارتباط به این صورت صحیح نیست و بهتره که اگر امکانش نیست که ما با رفقا تماس داشته باشیم فعلاً این ارتباط را قطع کنیم

ب: تکرار کنید

الف: این ارتباط به این صورت صحیح نمی باشد و به نفع منافع مشترک انقلابی ما نیست. بنا بر این اگر امکان ارتباطی از کانال رفقای خودمان میسر نیست بدلائل فوق الذکر از امروز این ارتباط قطع می شود. تمام

ب: چند لحظه صبر کنید

بعد جواب می دهند:

ب: بسیار خوب، از این پس ارتباط نمی گیریم اما آنها روزانه سرخط بیا بیند ما را لازم باشد

الف: منظور یعنی ما هستیم

ب: بله، بله، شما روزانه بیا بید سرخط ولی تا زمانیکه خودمان نخواهیم تماس بگیریم... با شما تماس نمی گیریم، متوجه شدید

الف: بله، بهر صورت ما وقتی که ارتباط قطع می شود برایمان مقدور نیست، یعنی بستگی دارد که کی می خواهد تماس بگیرد، یعنی رفقای که اینجا می مانند باید بدانند با کی ارتباط می گیرند، متوجه هستند؟ چی می گویم

ب: بله، بله. متوجه هستم اینجا دوستان همین را متذکر می شوند، توضیح بیشتری این است که شما روزانه سرخط بیا کنید که اگر خودمان یک زمانی خواستیم ارتباط بگیریم درست طبق برنامه بتوانیم ارتباط داشته باشیم (خودمان!)

الف: بهر صورت ببینید این رفقا اگر رفقای ما که مشخصاً می شناسیم چه کسانی هستند، آنها نباید شنیدند رفقای اینجا جوابی با سخنی نمی دهند، متوجه هستید چی می گویم.

ب: تکرار کنید

الف: اگر که رفقای ما، آنها بی که مشخصاً با صدایشان آشنا

کفتگوی چند تن از مسئولین تحریریه نشریه جهان با رفیق عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بپرامون حمله مطحانه به مرکز فرستنده رادیو صدای فدایی

هستم، رفقا، رفقای که پای دستگاه می‌مانند اگر آنها رفقای ما نباشند، آنوقت اینجا ما نیستند که متقابلاً چیزی بفرستند، ممکن است بگیرند ولی نمی‌فرستند، متوجه هستید چی می‌گوئیم؟

ب: جواب بیا می‌گه دادند. مطرح کردند اگر لازم باشد خودتان ارتباط بگیرید، اگر الان هم کاری ندارید ارتباط را قطع کنیم

الف: ببینید، اگر ما رفقا را بگوییم هر روز روی فرکانس باشن، متوجه هستید

ب: بله

الف: اما این در صورتی است که بتواند ارتباط متقابل بگیرند که رفقای ما از آن طرف صحبت کنند در غیر این صورت هر چه گفته می‌شود فقط یادداشت می‌کنند و متقابلاً صحبت نمی‌کنند، به دلایل امنیتی، چون مسائلی است که درست نیست که ما الان از این طریق بیشتر به شما توضیح دهیم

ب: بله، شما ساعتش را مشخص کنید

الف: اسن تا چند روز ادا می‌پیدا می‌کند؟

ب: ... نمی‌دانم تا چند روز فقط شما ساعتش را مشخص کنید
الف: ببینید، رفقا خودشان ساعت قبلی را دارند اگر که خواستند صحبت کنند بگوئید که ما روی ساعت قبلی و فرکانس قبلی می‌توانیم هر روز دستگاه همان، باشد می‌توانند تماس بگیرند.

ب: منظور همان ساعت ۷ را می‌گوئید

این ساعت را این عصر حاش از خودش درآورد و بگذرد، ما هر کجایی ساعتی بدستیم.

الف: نخیر، اگر شما به رفقا بگوئید می‌دانند، بگوئید که روی فرکانس قبلی و ساعت قبلی هر روزی که آنها خواستند می‌توانند ما تماس بگیرند

فردا حیرت‌سرای حوس رقصی دوا ره‌حنین ادا مه‌داد:

ب: ساعت قبلی و فرکانس قبلی را من می‌دانم، من مطرح می‌کنم ۲ تا دستیم، یکی داشتیم از قبل قبل بود که هر

روزه‌تاسمان بودیکی چند روز قبل بوجود آوردید

مهدی معجوسب هر طور شده فرکانس مورد نظر ما و رفقا را به‌مندیه این منظور بست سرهم یکدستی می‌زد.

الف: نه ... این را رفقا می‌دانند کدام است، اینها نیست، شما نمی‌دانید آن ساعت را! شما فقط همین جمله را بگوئید! بگوئید اگر خواستید تماس بگیرید روی آن ساعت فلی و فرکانس قبلی می‌توانید هر روز و هر شب با ما تماس بگیرید! ب: بهر حال ما اگر ... این ارتباط را برقرار کنیم در حالی دوستانه که آنها هستند مطرح می‌کنند و فقط ... آن

ساعت که شما می‌گوئید می‌خورد به عصر آن فرکانس هم که می‌گوئید فرکانس خیلی پائینی است، هزار و خورده‌ای است و بهمین دلیل با توجه به آب و هوایی که اینجا هست نمی‌خواند ولی مگر اس عصر سبب سرم دارد؟ حرعلائش را تکرار می‌کند تا صد تبری سه‌نار یکی حصری برای اربابانش بدست آورد.

الف: بهر صورت ببینید شما این را بگوئید به رفقا و همینطور به دوستان ما روزهای معینی و ساعتی معینی که رفقا خودشان اطلاع دارند، ساعت قبلی و فرکانس قبلی اگر خواستند می‌توانند با ما تماس بگیرند اگر که بپرد لیل ستوا نسنند به لحاظ امنیتی این کار به آن صورت درست نیست ب: فقط نکته‌ای که یاد گرفته بود، ما طبق معمول با شما تماس می‌گیریم همین ساعت که با شما تماس گرفتیم فرکانس امروز با شما تماس خواهد گرفت.

الف: باشد، باشد، به همه سلام برسانید، خدا حافظ

باوضحایی که بعد از رفتن مستقر در مفر را دیو دادند معلوم شد که در همان لحظاتی که آنها در مبهنی به دروغ ادعا می‌کرده‌اس که همگی رفقا در مفر دفتر سیاسی اتحادیه مبهنی برای "مداکره" می‌باشند، آنها در مفر را دیو سوده‌اند، حال رسیدن اس‌آ تا حیرت‌سرای طلا حیرت "کمیسون تحقیق" دارد؟! آ تا حیرت‌سرای که آننگار از زبان مدی- شانی به دفاع سرحاسته و خود یکی از حمان حمله به صدای فدایی بوده‌است و برای نمودن تشکیلات سازمان امرا داخل را به خدمت گرفته، و در جهت لطمه زدن به سازمان به شیوه‌های عوام‌فرسای متوسل شده‌است، نتیجه تحقیقات حصری جز قطعاً علسه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خواهد بود؟! مردم فضاوت کنید.

کمکهای مالی خود را به حساب
AAH 739066 F
Credit Lyonnais
134 Bd. Voltaire
75011 Paris
France

واریز نمایید و رسید بانکی را به همراه کد دلخواه خود به نشانی زیر بفرستید

ACP
BP 54
75261 Paris. cedex 06
France

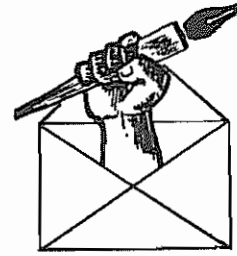
**با کمکهای مالی خود
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
را در امر انقلاب یاری رسانید**

میتوانید نشریات "کار" ریگای گال، "بامی استار" و "جهان" را از نشانی های زیر درخواست کنید

۶ شماره - ۱۵۰ تلنگ ۱۲ شماره - ۲۹۰ تلنگ	I.S.V.W. Postfach 122 Post AMT 1061 Wien, Austria	اتریش
۶ شماره - ۲۰ مارک ۱۲ شماره - ۳۵ مارک	R.E. Postfach 831135 6230 Frankfurt M80 West Germany	آلمان غربی
۶ شماره - ۸ دلار ۱۲ شماره - ۱۵ دلار	Hadi P.O.Box 419 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.	آمریکا
۶ شماره - ۶ پوند ۱۲ شماره - ۱۱ پوند	O.I.S BM Kar London WC1N 3XX England	انگلستان
۶ شماره - ۱۲۰۰۰ لیر ۱۲ شماره - ۲۲۰۰۰ لیر	Masoud - M C.P. 6329 Roma Prati Italia	ایتالیا
۶ شماره - ۵۰۰ فرانک ۱۲ شماره - ۹۰۰ فرانک	E.I. B.P.8 1050 Bruxelles 5 Belgique	بلژیک
۶ شماره - ۹۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۸۰ کرون	I.S.F. PB. 398 1500 Copenhagen . V Denmark	دانمارک
۶ شماره - ۸۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۲۰ کرون	I.S.S Box 50057 10405 Stockholm Sweden	سوئد
۶ شماره - ۷۰ فرانک ۱۲ شماره - ۱۲۰ فرانک	A.C.P B.P. 54 75261 Paris Cedex 06 France	فرانسه
۶ شماره - ۱۰ دلار ۱۲ شماره - ۱۸ دلار	ISS P.O. Box 372 Ahuntsic Station Montreal, P.Q. H3L 3N9/ Canada	کانادا
۶ شماره - ۹۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۲۰ کرون	I.S.O.U. P.B.12 7082 Kattem Norway	نروژ
۶ شماره - ۲۲ فلورن ۱۲ شماره - ۴۰ فلورن	P.B. 11491 1001 G.L. Amsterdam Netherlands	هلند
۶ شماره - ۳۰ روپیه ۱۲ شماره - ۵۰ روپیه	P.O.Box 7051 New Delhi 65 India	هند

۴۰	ت ۴	۵۰	دور راه - سن خوزه	مارک	آلمان
۴۰	رقیبی پیشمرگه	۵۰	س ک سن خوزه	کوتینگن - حفاظت	
۵۰	کمیته ی مرکزی	۴۰۰	اوهاییو -	از رادیو	
۴۲	یاد فتاح	۱۳۰	رفیق حسس	برمن - اسکندر	
۱۶	کمیته ی مرکزی	۱۵۰	رفیق جهان	کلن - بدون کد	
	رفیق حسن -	۵۰		کلن - بدون کد	
	کاوه - اسکندر		شلینک	کاسل - دفاع	
۵۰	دفاع قهرمانانه	۱۰۰	سلام ای	از رادیو	
۱۰	از رادیو	۵۰۰	سازمان فردا	فرانکفورت - کمیته ی	
۱۰	کردستان - آریزونا	۱۰۰	سلام ای	خارج از کشور	
۱۴	صدای فدایی	۵۰۰	سازمان عشق	غانور - بدون کد	
		۵۰	سلام ای	غانور - بدون کد	
	ایتالیا لیر (هزار)	۵۰۰	گسترش میهنی	حمید (۱۹ بهمن)	
	دفاع قهرمانانه از		سلام ای		
۲۰	مرکز رادیویی	۵۰۰	غول آینده	دلار	آمریکا
۲۰	کمیته ی مرکزی	۵۰۰	غلامرضا تختی	م - ل دیترویت	
	شکست توطئه ی	۳۰۰	چریک فدایی	شهادی اسفند -	
۱۰	عوامل بورژوازی	۱۰۰	کارگر	بستن	
	زنده باد استقلال		سازمان دانشجویان	رفیق حسین	
۳۰	طبقاتی کارگران	۲۸۳	ایرانی وین - اتریش	محمدی کلاهدوز	
	رفقای شهید حسن -	۳۰۰	هوادار سچفا	رفیق توکل	
۵۰	کاوه - اسکندر	۱۰۰		غلام - انورخوجه	
	۴ بهمن - تثبیت		پیوند	پیروزی	
۱۰	پیشامتن انقلابی	۱۰۰	به یاد رفقا اسکندر -	دنور -	
	مرک بر اپورتونیسیم	۲۰	کاوه - حسن	رادیو فدایی	
۲۰	تشکیلاتی	۰۸۱/۵	آزاد - کردستان	صمد بهرنگی	
۲۰	رفیق توکل	۱۰۰	گلاسگو -	نیوجرسی	
		۱۰	صدای فدایی	به یاد شهادی	
		۵۰	داندی - الف	اسفند ۶۰	
	دانمارک		پیزلی - زنده باد	مرک بر	
کرون	زنده باد استقلال	۱۱۰	استقلال طبقاتی	اپورتونیسیم	
۱۰۰	طبقاتی کارگران	۱۳۰	پیزلی - دوراه	رفیق بیژن جزئی	
	رفقای	۱۳۰	رفقای ادینبرو	رفیق احمدزاده	
۱۰۰	کمیته ی رادیو	۱۳۰	ادینبرو -	رفیق یویان	
	رفیق به خون	۲۰۰	صدای فدایی	سعید سلطانیور	
۱۰۰	تپیده کاوه	۰۹۰	رفقای گلاسگو	اشرف بهکیش	
	رفیق به خون		گلاسگو -	سیات تحریریه ی	
۱۰۰	تپیده حسن	۱۱۵	کمیته ی رادیو	کارو صدای فدایی	
	رفیق به خون	۵۰	پیزلی - ب	نشریه ی جهان	
۵۰	تپیده اسکندر	۰۳۰	داندی - کردستان	لنین	
		۰۲۵	آزاد - کردستان	داس و چکش	
	سوئد	۱۳۵	مرک بر عامل	بامی استار	
کرون	توقف رادیو	۲۵۰	انگلستان	رفقای تهران	
۰۲۰۰	رفقای بیوتوبوری	۱۰۰	ت ۳	ریگای گال	
۱۵۰۰					

نروژ	نروژ بر	کرون	بیوگسلاوی	دینار
اسرای سچفا	۱۰۰	یتک آنتنین	(دلار) ۸۰	



★ **بیرنگام** - رفیق ح - نامه و مطلب ارسالی شما را دریافت کردیم. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

★ **ترکیه** - استانبول - رفیق ع - خبر و بریده‌ی روزنامه‌ها در مورد روابط ایران و ترکیه مورد استفاده کمیته‌ی خبر قرار گرفت. در آینده نیز ما را از اخبار ترکیه با خبر کنید.

★ **استکهلم** - رفیق د - شعر شما به دست ما رسید. برای ما باز هم شعر بفرستید.

★ **دعلی** - کازلی - شعر شما در اختیار بخش ادبی قرار گرفت و امیدواریم در آینده از آن استفاده کنیم.

★ **آمریکا** - بستن - رفیق ح - مطالب ارسالی شما رسید. در شماره‌های آینده از آنها استفاده خواهیم کرد. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

★ **آلمان** - کلن - رفیق ف - نامه‌ی شما رسید. پاسخ آن در اولین فرصت برای شما فرستاده خواهد شد.

خبر افزایش صادرات ذغال سنگ از لهستان به انگلستان در دوره‌ی اعتصاب کارگران معادن انگلیس، در روزنامه‌های تایمز مالی، گاردین و در سخنرانیهای مکرر رهبران کارگران

اعتصابی از جمله آرتور اسکارگیل اعلام شد.

خبر دیگر از طرف خبرگزاریهای بین‌المللی، از جمله خبرگزاری تاس، بلافاصله پس از انتخاب مارکوس، پخش شد.

★ **ترکیه** - استانبول - رفیق بیژن - نشوین و همکاری شما باعث دلگرمی کارکنان نشریه‌ی جهان شد. ما نیز معتقدیم نشریه‌ی جهان وظایف مهمی در پیشبرد فرهنگ و ادبیات انقلابی به عهده دارد و امیدواریم صفحات ادبی - عتری نشریه هرچه بیشتر جوابگوی این وظیفه باشند.

مطلبی که در مورد شاعر بودن و شاعر شدن نوشته‌اید در اختیار بخش ادبی نشریه قرار گرفت و امیدواریم در آینده از آن استفاده کنیم.

★ **یوگوسلاوی** - رفیق س - نامه‌ی شما را که در انتقاد به مقاله‌ی "شاعر بودن و شاعر شدن" (مندرج در جهان ۲۷) نوشته‌اید برای استفاده‌ی خوانندگان جهان در زیر چاپ می‌کنیم. همان طور که قبلاً در این صفحات گفته‌ایم، در شماره‌های بعدی نشریه نظر خود را درباره‌ی نکات مهمی که خوانندگان جهان بر طی نامه‌سایشان در مورد این مقاله برای ما ارسال داشته‌اند درج خواهیم کرد. ضمناً از شعر ارسالی شما متشکریم، در شماره‌های بعدی جهان از آن استفاده خواهد شد. همکاریتان را با ما ادامه دهید.

"... نویسنده مقاله با طرح دو مقوله بینش شعری و دانش شعری مسائلی را مطرح می‌کند، اگرچه در مورد دوم به نحوی افتخار کننده چگونگی تکلیف گیری و پیرویه تکامل دانش شعری را توضیح میدسد از خواننده می‌خواهد که به سادگی بگذرد که 'حالی‌یا بینش هست که در این صورت باید به دانش شعری مجهز شد و بدین ترتیب

از شاعر بودن به شاعر شدن رسید' و بدین ترتیب اگر خلاصه کنیم مفهوم رگ و صریح سمه مقاله این است. انسان‌ها دو گروه هستند، یعنی در واقع انسانها به دو گونه می‌زاینند، زادگان شاعر و زادگان غیر شاعر، باری آنان که شاعر هستند و بینش شعری دارند، از مادر که زاده می‌شوند شاعر بالقوه هستند و با تجهیز شدن با دانش شعری، به فعل در می‌آیند و شاعر می‌شوند. و از آنجایی که شعر نیز خود ستر است، می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که انسانها دو دسته هستند، گروهی که ... از نظر ژنتی - مورد لطف خداوندی قرار گرفته و عزیزه و عطیه الهی به آنها نقویض شده است ... در هر حال چندان فرقی نمی‌کند، اصل مهم این است که خارج از حوزه‌ها و روابط اجتماعی صرفاً در حوزه‌های زیستی هنرمندان از دیگر مردم جامعه تمایز پیدا می‌کنند، و باز فرق نمی‌کند که خدا یا طبیعت یا ژن یا بیولوژی این کار را کرده است، مسئله اساسی این است که هنرمندان از نخست نخبگان بالقوه‌ای هستند که باید به دانش شعری تجهیز شوند و هنرمندان - شاعران - والا مقامی گردند و بدین ترتیب از وقتی کودکی متولد می‌شود گروهی حق دارد به غوغوییش بنازد، چون شاید این خود کسی باشد که از بینش شعری 'مادر زادی' برخوردار است، بنابراین به غوغوی کودکان نیز نباید به شوخی گذشت از کجا که این غوغوی اولیس، خود اثری هنرمندانه نباشد که در آینده‌ای نه چندان دور با دانش شعری به فعل در آید.

"نویسنده مقاله برای اینکه جای حرفی باقی نگذارد ما را به زیست‌شناسی و روانشناسی ... حواله میدسد که در آینده چه‌سا که خواهد کرد. با این عمه با هزار من سریش زیست‌شناسی و ... این نیز را نمی‌توان به ریش دیدگاه

علمی بست • اما اگر بخواهیم، بپذیریم که عنرمندان نیز آدمی مثل بقیه آدمها هستند و نه مادر - البته در رحم و پیش از تولد - و نه خدا کسی را عنرمند - نخیه برتر - خلق نمی‌کند، باید قبول کنیم که کلیه کنشها و حرکات و نمایشهای انسان در دو حوزه جای می‌گیرد.

"۱- حوزه زیست‌شناسی، رفتارهای زیستی حیوانی، گرایش ۲- حوزه‌های انسانی، شامل کلیه رفتارهایی که انسان را متمایز می‌کند. بخش نخست شامل کلیه فرایندهای زیستی و تشریحی کار کردی است و در کل شامل تمامی رفتارهای فردی و غیر اجتماعی است. که شرایط و ضوابط لازم را برای حفظ و بقای موجود فراهم می‌نماید. از حرکات ساده ریز مثل پس کشیده شدن دست در موقع سوختن، اولین جیب بچه‌ای که تازه دنیا می‌آید - حرکتی غریزی جهت حفظ و بقای نسل است (باز شدن دستگاه تنفسی و جلوگیری از سوخته شدن) تا سرخ شدن یا وا رفتن در موقع رویارویی با خطر. در این مثالها منظور ما عمدتاً از افراد سالم است، که خصلت‌های زیستی یکسانی دارند. مسائلی که در حوزه‌های زیست‌شناسی و رفتارهای حیوانی مطرح است عمدتاً - یعنی همه تقریباً - مادر زادی است و با تولد فرد بالفعل مستند ۲- رفتارهای انسانی که عمدتاً در حوزه‌های تفکر قرار دارند، رفتارهایی هستند که بخشی از آن‌ها همراه با انسان به طور بالقوه در لحظه تولد هستند و در پیروسی بعدی که یکسرا در حوزه روابط و برخوردهای اجتماعی قرار دارند به فعل در می‌آیند، قوه اصلی و عمده این مسائل در گستردگی و رشد یافتگی قشر خاکستری مغز (کورتکس) است، که حاصل تاثیرات روند ابزار سازی و کار است. ما اکنون این سؤال را طرح می‌کنیم. این بینش شعری که مادر زادی نیز هست در کجای اینها قرار می‌گیرد؟ بی

سبج شکی چون مادر زادی است می‌باید در حوزه نخست قرار بگیرد یعنی به همان سادگی که انسان گرایش دیگر را دارد، غریزه شعری هم عده‌ای دارند. یا نه در حوزه رفتارهای اجتماعی و انسانی است که در این صورت نمی‌تواند مادر زاد باشد. اما انسان موجود غریبی است. با رفتارهای زیستی مشخصی زاده می‌شود و به کمک تعیین رفتارهای زیستی در محیط اجتماعی فرار می‌گیرد و چنان محیط اجتماعی در او تاثیر می‌کند که حتی برپایه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین عنصر رفتار حیوانی یعنی تلاش در جهت حفظ و بقا مسلط می‌گردد. مثال ساده‌ای بزیم. از لحظه‌ای که بچه متولد می‌شود تمامی گرایش و رفتارهای زیستی و بیولوژیک بکار می‌افتند تا او را از خطرات جدا کنند، مثلاً گلبولها در دفاع میکروبی، گرایش دیگر از زمین خوردن و ... تا این موجود به مرور زمان رشد کند و در رابطه اجتماعی تفکر بالقوه‌اش را به فعل در آورد و پس از آن بر همه گرایش‌ها سوار شود. مثلاً تمامی رفتارهای زیستی انسان حکم می‌کند که فرد برای بقا پیش کار کند ولی فردی وقتی به آرزایی - که رفتاری است اجتماعی و جامعه‌داد - دل می‌بندد تا آنجا پیش می‌رود که برای دفاع از آرمانش تمامی این رفتارهای مادر زاد را پشت پا می‌زند و مرک را می‌پذیرد. بنابراین اگر حتی آن را مادر زاد هم بدانیم، رفتارهای اجتماعی که حاصل اکتساب از محیط اجتماعی است بر آن مسلط شده می‌تواند آنرا از بین ببرد و یا بوجودش آورد.

"دیدگاه علمی به ما می‌گوید که علت‌العلل هر پدیده‌ای را باید درون آن پدیده جستجو کرد. شعر و هنر نیز پدیده‌ای انسانی است و انسان بودن یعنی اجتماعی بودن. بنابراین بدنبال علت‌العلل شعر نمی‌تواند به جستجوی ... حریشه ژنتیک افراد پرداخت ۲- برای یافتن. پاسخی بر این مسئله

پیش از سر چیز باید به عنوان رفتاری اجتماعی و انسانی در جامعه جستجویش کرد. صفات و خصلت بیولوژیک که مادر زادی هستند با پدیده‌های ستر که اولین محصول عای تفکر انسانی (یا تجرید) - و نه بیولوژیک - است فرق دارد. عنرمند انسانی است که در طی پیروسی زندگی انسانی عنرمند می‌شود، نه اینکه موجود یا انسان خاصی است که در این پیروسی به عنرمند بودنش فعلیت می‌بخشد. بیشک بینش شعری را نمی‌توان به طور کامل و تمام از راه علم محض بدست آورد، همه مسائل که در بچه از ابتدای امر تا شاعر شدنش با او همراه است در درک و تاثیر او از عنر - شعر - و بیان شعری - عنری - موثر است، دقیقاً می‌توان گفت که لالائی مادر یا خر و پت کردن بایا تا دعواها و خستگی‌های اهل خانواده، و یا رفتارهای تک تک افراد خانواده در ساخت و پرداخت بینش شعری نقش دارند و حتی پیش از کتاب خواندن و درک علمی از شعر تا حدود زیادی این احساس و تاثیر پذیری از مسائل شکل یافته است و دسترنی و تجهیز علمی آنرا می‌تواند بهبود بدهد و حتی شدیداً آنرا تحت تاثیر خویش قرار بدهد. شك نیست که هرچه شناخت وسیع‌تری از بیرون داشته باشیم، آستانه تاثیر پذیری و متاثر شدنمان از مسائل که جان مایه هنر است گسترش می‌یابد و شناخت تکنیک و ابزارها به بیان بهتر و عنرمندانتر از واقعیت - یا غیر واقعیت - کمک چشمگیر دارد. و سؤال دیگر از نویسنده مقاله این است که اگر ' یا بینش شعری داریم، که در این صورت باید رفت و جان کند و دانش شعری را یافت ' یا ' نداریم '، معیار این داشتن چیست؟ اگر چه چیزی داشته باشیم؟ آیا حد بخصوص چیزی مثلاً IQ یا مثلاً معیار دیگری مورد نظر است؟ ... "

کارخونه بستنی

تورکل راسموسن

یه روز، یه دختر فقیر از پیش پدر و مادرش رفت چون دیگه نمیخواس سربار اونا باشه
مادره گفت: "فقیر بودن خوب چیزی نیس"
تو این دنیا آدم باعاس پولدار باشه."
دختره م از "اداره کار" یه کار گرفت:
"نون بستنی پزی، تو یه کارخونه بستنی"

اون تابستون خیلی گرم بود و بستنی زود آب می شد
دختره بسکه تموم مدت عرق می ریخت، از نا می رفت.
مادره گفت: "فروش خیلی خوبه،
حالا تو عم کلی پول گیرت میاد."
اما اونایی که واقعا چیزی گیرتون می اومد
فقط سهامداران بودن.

اینا تو سالای ۴۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا داغ بود
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که به زبون ساده
رشد می کرد و گنده می شد.

تو پاییز، وقتی زوزه باد پایین دیوار ای
کارخونه بستنی می پیچید، دختره بیخ می کرد.
فرن این نانو با نانوای میز بعدی، اضافه مزد بود و ریش
دختره فکر کرد: "ما همه مون یه جور قیف بستنی می پزیم،
فقط فرمون اینه که اون مرده و من زن. اما اون بضاعتشو
داره که خودشو گرم نگه داره، چون مزد بیشتری بهش میدن."

بستنی با تعریفی نبود، اما مزدم خیلی کم بود
و اون یه کارخونه کوچیک، خیلی زود شد دوتا.
دختره فکر می کرد: "صدقه سرن کار من،
عم تولید بالا میره و هم سود.
وقتی من تو آشنال و کثافت جون می کندم،
سرمایه دارا از غذاهاشون کیفور می شدن."

اینا تو سالای ۵۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا خنک بود
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که سی روش می رفت
و سزار برابر می شد.

یه روز دتا با زرس با زمون سجا و دفتر و دستکشون اومدن
و رکورد تولید قیف بستنی ها رو با تشویق و تنبیه گرفتن.
سرکارگر گفت: "دخترم، تو همیشه باعوش بودی
و الانم باعاس شجاع باشی."
تو حالا دیگه پیر و کند شده ای، ما می خوایم مزدتو کم کنیم،
تو هم باید بری تو باغچه و کاغد جمع کنی."

خیس از باران بی رنگ و روی بهاری، اما بی اعتنا به سرکوفت
دختره رفت پیش رئیس کارخونه
و ازش خواست که بهش قدرت بده.
رئیس در جوابش گفت: "همینو کم داشتیم، مشکلمون حل شد
تو جون میدی که مری بشی واسه دموکراسی تجارتخونه؟"★

اینا تو سالای ۶۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا مرطوب بود.
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که در یک کلام
زندگی تجملاتی بود.

زمستون اومد اما یخها نه یارای تحمل داشتن ونه درعم شکستن
طاقت سر اومد، اما دختره سر تصمیمش بود.
دختره گفت: "ما نمی تونیم اجازه بدیم که این رئیس صنف
پیر و خرف بیشتر از این اغفالمون کنه."
اما تو اتحادیه حرف سر عمکاری بود نه سر جنک طبقاتی.

بستنی بدتر می شد و کارخونه می رفت رو به ترقی
و چند ملیتی می شد.
به اونایی ام که مطیع بودن، قول رفتار انسانی داده می شد.
دختره فریاد زد: "ما باعاس قدر تو
تو دستامون بگیریم و سرمایه داری رو نابود کنیم!"
برف سفید سقوط می کرد، وقتی پلیسای سیاه پوش
دختره رو با خودشون می بردن.

اینا تو سالای ۷۰ اتفاق افتاد
حوا تقریبا خنک بود
مردم به سرمایه ای خدمت می کردن
که سی روش می رفت
و هزار برابر می شد.

ترجمه: س. د. ی. ک.

★ اشاره به یک بند از قانون کار سالهای ۶۰ در سوئد.
"انتخاب نماینده برای کارگران از سوی رئیس"

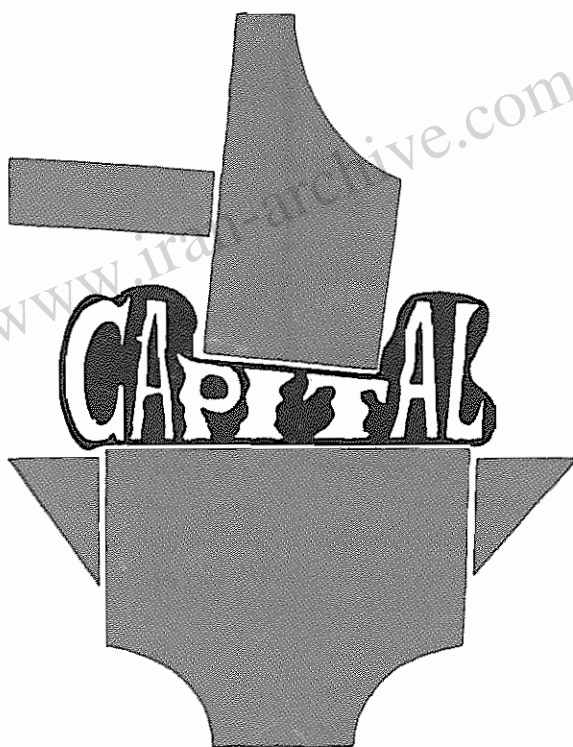
JAHAN

Organ of the student supporters of the Organisation
of Iranian Peoples' Fedaii Guerrillas -abroad

VOL. V

MAY '86

NO:42



۵۴

یوسنر کارگراں سینروشن
فرانسہ
ماه مه ۱۹۶۸

برای تماس با جهان با نشانی زیر مکاتبه کنید:
JAHAN PO BOX 274 . GLASGOW G41 3XX . UNITED KINGDOM